دوفصلنامه علمی ـ تخصصی گفتمان وحی
سال چهاردهم/ شماره ۲۴/ پاییز و زمستان ۱۴۰۲

Bi-quarterly Journal Specialized Guftman-e Wahy
twelfth, Year 14 ,No 24, Autumn & Winter 2023

احکام صیام، صوم مسافر در تفسیر الجامع لأحکام القرآن قرطبی

□ اسدالله رضایی *

چکیده

صوم مسافر، یکی از مسائل مورد ابتلا و در عین حال میان اهل‌سنّت و امامیه، از یک‌سو، و میان مذاهب چهارگاه اهل‌سنت، از سوی دیگر، مورد اختلاف نظر است؛ امامیه، صوم مسافر را جایز نمی‌دانند و معتقد اند، در صورت که روزه دار مسافرت اختیار کند و سفرش معصیت نباشد و دائم السفر، اطلاق نشود، جایز نیست روزه بگیرد، اما اهل‌سنّت صرف مسافرت را موجب افطار صوم نمی‌دانند بلکه قائل اند، روزه دار، با شرایط خاص، می‌تواند افطار کند؛ در سفرهای طاعت، مانند حج، جهاد، صله رحم، افطار صوم جایز(نه واجب) است. در سفرهای مباح، چون تجارت، هر چند که اختلافی است ولی ترجیح به جواز است. اما در سفرهای معصیت، منع افطار، ترجیح دار. قرطبی تقریبا آیات سه‌گانه صوم را مطابق، دیدگاه جمهور اهل‌سنت تفسیر و تحلیل می‌کند گرچه وی سعی می کند با توجه به روایات، صوم مسافر را تجویز کند ولی نمی‌تواند دیدگاه وجوب افطار را به صراحت تأیید.

واژگان کلیدی: صوم، مسافر، جواز افطار، مقدار سفر، جمهور اهل‌سنت، قرطبی.

---

٦ * دانشجوی دکتری فقه مذاهب دانشگاه ادیان و مذاهب.

۱. دیدگاه مذاهب در باره حدود سفر و افطار صوم

افطار صوم در ماه رمضان، نزد حنفی‌ها، شافعی‌ها و مالکی‌ها به دو شرط اساسی، مباح(نه واجب) و جایز(نزد مذهب اهل البیت واجب است) است: اول: مسافرتی که قصر نماز را مباح می‌کند. دوم: قبل از طلوع فجر شروع به مسافرت کند به طوری که قبل از طلوع فجر به مکانی که از آن‌جا قصر نماز را آغاز می‌کند، برسد(نزد مذهب اهل البیت قبل از زوال آفتاب مسافرت را شروع کند ولی اگر بعد از زوال مسافرت کند باید روزه را تمام کند). ولی حنابله با شرط اول مخالف اند و معتقد اند: اگر کسی از شهرش هنگام ظهر مسافرت کند، و لو بعد از زوال باشد و سفرش قصر نماز را مباح کند، افطار روزه مباح است و هرچند که بهتر است که روزه آن روز را به پایان برساند(جزیری، ۱۴۱۹: ج۱، ص۷۴۳).

۲. تفسیر و تحلیل آیات صوم رمضان از دیدگاه قرطبی

این مفسر اهل‌سنّت آیات وجوب و افطار صوم رمضان در حال مسافرت را که شامل سه آیه می شود، تحت عنوان چند مسأله تبیین می‌کند که به ترتیب کتاب، مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۲-۱. مفاهیم و مفاد آیه ۱۸۳ بقره

«یا اَیهَا الَّذِینَ آمَنُواْ کُتِبَ عَلَیکُمُ الصِّیامُ کَمَا کُتِبَ عَلَی الَّذِینَ مِن قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُونَ».

۲-۱-۱. صوم در لغت: صَوم، در لغت به معنای امساک و ترک التنَقّل من حالٍ الی حال است؛ زیرا به سکوت نیز صوم اطلاق شده، چون سکوت امساک از سخن گفتن است چنان که حضرت مریم گفت: «... فَقُولِی إِنِّی نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْماً فَلَنْ اُکَلِّمَ الْیوْمَ إِنسِیاً»(مریم/۲۶)، و به معنای توقف و باز ایستادن باد(ریح) هم آمده است؛ چنان که آن شاعر عرب گفت:

خیلُ صیامٍ و خیلُ غیر صائم ●●● تحت العجاج و خیل تعلک اللجما.

یعنی شتر از حرکت امساک و باز ایستاد. و در شرع عبارت است از امساک از مفطراتی که همراه باشد با نیت، از طلوع فجر تا غروب خورشید.

۲-۱-۲. دلیل وجوب: عمده دلیل وجوب صوم رمضان در سفر، آیات ۱۸۳تا ۱۸۵ از

سوره بقره است که به نظر قرطبی بدون اختلاف، آیه خطاب به مؤمنان، صوم را واجب می‌کند همانگونه که قصاص و وصیت بر مکلفان واجب شده است؛ زیرا پیامبر اسلام فرمود: «بُنی الأسلامُ علی خمسٍ: شهادةُ أن لا إلهَ إلّا الله، وأنَّ محمّدا ورسولُهُ، و إقامَ الصلاة، وإیتاءَ الزّکاة و صوم رمضان و حج»(مسلم، بی‌تا: ج۱، ص۴۵، ح۲۱).

۲-۲. فضیلت صوم

فضیلت روزه و صوم فوق العاده عظیم است و روایات فراوان بر آن دلالت دارد، و در فضیلت آن همین بس که خداوند آن را به خود نسبت داده و رسول‌خدا خبر می‌دهد که خدا فرمود:«**کُلُّ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ لَهُ إِلَّا الصَّوْمَ، فَإِنَّهُ لِی وَأَنَا أَجْزِی بِهِ، وَ لَخُلُوفُ فَمِ الصَّائِمِ أَطْیبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِیحِ المِسْكِ**»(بخاری، ۱۴۲۲: ج۷، ص۱۶۴، ح۵۹۲۷). با اینکه همه عبادات برای اوست به دوجهت خدا صوم را به خود نسبت داد: یکی اینکه صوم، نفس انسان را از شهوت‌ها باز می‌دارد ولی سایر عبادت‌ها چنین نیست. دوم صوم سرّی است میان خدا و عبد، و جز خدا آن سرّ را نمی‌داند.

۲-۳. فلفسه تشبیه در آیه

جمله «کما کُتِبَ» تشبیه است؛ کاف «کَما»، یا در موضع نصب و صفت است، در تقدیر: «کتاباً کَمَا» یا «صوماً کما» بوده یا کَمَا کُتِبَ حال است از صیام، یعنی: کُتِبَ علیکم الصِّیامَ مشبهاً کما کتب علی الذین من قبلکم. کلمه «ما» در کما، مجرور و موصول است وصله اش جمله «کتب علی الذین من قبلکم» است و ضمیر در «کتب» به «ما» راجع است.

۲-۴. اختلاف مفسران در باره تشبیه آیه

مفسران درتفسیر این آیه اختلاف نظر دارند: یک؛ شعبی و قتاده و غیر آن دو تشبیه را به وقت و مقدار و اندازه صوم باز می‌گردانند؛ برای اینکه خداوند برقوم موسی و عیسی‌علیهما السلام صوم ۳۰ روز را واجب کرد ولی احبار(عالمان یهود و نصاری) آن را تغیر دادند و ده روز بر آن افزودند، سپس برای شفای برخی از احبار، نذر کردند که در صورت بهبودی او ده روز روزه بر ۴۰ روز بیفزایند؛

و سر انجام او شفا یافت و صوم در دین یهود و نصاری به ۵۰ روز رسید. دو؛ برخی معتقد است تشبیه، به اصل وجوب صوم باز می‌گردد، یعنی همانطوری که صوم بر گذشتگان شما واجب شد، بر شما نیز واجب گشت. سه؛ بعضی بر این باورند که تشبیه در صفت صوم واقع شده است؛ بدین معنا همان طوری که صوم بر گذشتگان از خوردن و آشامیدن، نکاح و.. ممنوع بود برشما هم ممنوع است. چهار؛ معاذ و عطا گفته اند تشبیه در آیه در رابطه به خود آیه است نه صفت و یا تعداد و مقدارآن، و معنای:«کُتِبَ علَیکُم کَمَا کُتِبَ علَی الذین ..» این است که در ابتدای اسلام، صوم در سه روز ابتدای هر ماه و روز عاشورا واجب است کما کتب علی الذین... یعنی بر یهود که همان سه روز آغاز هر ماه و روز عاشورا، سپس این سه روز ابتدای هر ماه توسط صوم تمام ماه رمضان نسخ شد.

۲-۵. مفهوم«لعلّکم تتّقون»

کلمه لعلَّ برای ترجّی و امید در حق روزه داران است. و معنای«تَتَّقون» را برخی در این مورد، به معنای تضعیف گرفته است، بدین معنا که هرچه خوردن و آشامیدن کمتر باشد، شهوت تضعیف می‌شود، و هر چه شهوت ضعیف گردد، گناه کاهش می‌یابد. خود قرطبی این معنا را مجازی ولی حسن می‌شمارد. برخی آن را در عرصه معاصی و گناه تفسیر می‌کنند، یعنی نسبت به معاصی تقوی پیشه کنید. بعضی هم آن را به اعتبار این حدیث نبوی«الصَّومُ جُنَّة»(ابن ماجه، بی‌تا: ج۲، ص۱۳۱۴، ح۳۹۷۳)، عام گرفته است.

۳. جواز افطار صوم رمضان

آیه شریفه:«**اَیاماً مَّعْدُودَاتٍ فَمَن کَانَ مِنکُم مَّرِیضاً اَوْ عَل-ی سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ اَیامٍ اُخَرَ وَ عَلَی الَّذِینَ یطِیقُونَهُ فِدْیةٌ طَعَامُ مِسْکِینٍ فَمَن تَطَوَّعَ خَیراً فَهُوَ خَیرٌ لَّهُ وَاَن تَصُومُواْ خَیرٌ لَّکُمْ إِن کُنتُمْ تَعْلَمُونَ**»(بقره/۱۸۴)، به صورت کلی، بر جواز افطار صوم رمضان، تأکید می‌کند و برای روزه داران مسافر، سهولت قائل می‌شود.

۳-۱. مفهوم جمله«أیاما معدودات...»

جمله «أیاما معدُودات» مفعول دوم برای کُتِبَ است برخی آن را ظرف برای کُتِبَ شمرده است؛ یعنی در ایام معین که ماه رمضان باشد بر شما روزه واجب شده است.

۳-۲. افطار مریض

برای مریض دو حالت تصور می‌شود؛ یکی اینکه فاقد توان و طاقت روزه گرفتن باشد؛ در این حالت افطار واجب است. دوم اینکه توان دارد ولی گرفتن روزه برای او ضرر آور و مشقت بار باشد، در این صورت افطار مستحب است.

۳-۳. افطار مسافر

با توجه به جمله «أو علَی سفر» علما در باره سفری که موجب افطار صوم و قصر نماز می‌گردد، دچار اختلاف به منع و جواز اند بعد از اجماع بر اینکه در سفر طاعت همانند سفرهای حج و جهاد، صله رحم و طلب معاش ضروری، افطار جایزاست (نه واجب). اما در سفر تجارت و سفر مباح، اختلاف نظر است ولی دیدگاه به جواز افطار صوم ترجیح دارد و در سفرهای معصیت، هر چند اختلافی است ولی ترجیح بر منع افطار است.

همچنین در باره مقدار سفر که سبب قصر نماز و افطار صوم رمضان می شود اختلاف نظر شدید است؛ مالک ابتدا مقدار چنین سفری را یگ شبانه روز می‌دانست سپس از آن عدول کرد ۴۸ میل، و۴۲ میل، ۴۳ میل و دو روز مسافرت را که شافعی هم آن را گفته است، ملاک قراداد. چنانکه میان سفر خشکی و دریای تفصیل داده اند؛ در سفرهای دریایی یک شبانه روز و در سفرهای خشکی ۴۸ میل را گفته اند. در روایاتی که از ابن عباس و ثوری نقل شده سه روز مسافرت را معیار افطار شمرده است. اما طبق روایت بخاری از ابن عمر و ابن عباس آمده:«وَكَانَ ابْنُ عُمَرَ، وَابْنُ عَبَّاسٍ(رض)، يقْصُرَانِ، وَ يفْطِرَانِ فِی أَرْبَعَةِ بُرُدٍ»(بحاری، ۱۴۲۲: ج۲، ص۳۴، ح۱۰۸۵)، که عبارت می‌شود از ۱۶میل.

۷-۴. افطار به نیت مسافرت

از نگاه قرطبی، علما اجماع دارند بر اینکه در ماه رمضان جایز نیست با افطار، شب را صبح کند(یعنی کسی که قصد مسافرت دارد ولی هنوز در منزل است افطار کند) برای اینکه کسی با نیت مسافرت، مسافر محسوب نمی‌شود بلکه مسافرت با حرکت و عمل محقق می‌شود بخلاف مقیم، که نیاز به عمل و حرکت ندارد و با نیت محقق می‌گردد.

دارقطنی از ابن کعب روایتی را نقل می‌کند که گفت: ما در ماه رمضان نزد مالک بن انس رسیدیم و او تصمیم داشت به مسافرت برود، راحله‌اش آماده و لباس سفرش را پوشیده بود و با وجود اینکه هنگام غروب آفتاب بود، وی طعام خواست و افطار کرد سپس سوار بر مرکب شد، از او پرسیدم: آیا این کار سنت است؟ وی گفت: آری(قرطبی، ۱۳۸۶: ج۲، ص۲۷۸).

از احمد احمدبن حنبل نقل شده که گفت: هنگامی که از خانه برای سفر خارج می‌شوید افطار کنید. اسحق بن راهویه گفته: هنگام که پایت در رکاب گذاشتید، افطار کنید. برخی قول احمدرا صحیح دانسته اند. گروهی گفته اند: در همان روز مسافرت نباید افطار کرد(همان).

بخاری بحثی را تحت عنوان باب «من افطر الناس فی السّفر لیراه الناس» حدیثی را از ابن عباس نقل می‌کند که گفت:«خرج رسول اللهﷺ من المدینةَ الی مکةَ فصَام حتی بَلَغَ عسفان(قریة در میان مدینه و مکه) ثم دعا بماءٍ فرفعه الی یدیه لیریه الناسُ فأفطر حتی قدم مکةَ». مسلم نیز روایت را نقل نموده است(بخاری، ۱۴۲۲: ج۳، ص۳۴، ح۱۹۴۸؛مسلم، بی‌تا: ج۲، ص۷۸۵، ح۱۱۱۳). قرطبی می‌گوید: اولاً: با وجود این روایت هر قولی که مخالف آن باشد ساقط است. ثانیا: این روایت حجت است علیه کسانی که می‌گویند صوم در سفر منعقد نمی‌شود. چه اینکه از عمر و ابن عباس و ابی هریره و ابن عمر نقل شده که:«من صامَ فی السّفر، قضی فی الحضر»(قرطبی، ۱۳۶۴: ج۲،ص۲۸۰). از عبدالرحمن بن عوف نقل شده که: «**الصَّائِمُ فِی السَّفَرِ کَالْمُفْطِرِ فِی الْحَضَرِ**»(نسائی، ۱۴۰۶: ج۴، ص۱۸۳، ح۲۲۸۵).

ثالثا: این روایت حجت است علیه کسی و کسانی که می‌گویند:«إنَّ مَن بیتَ الصَّوم فی السفر فله أن یفطر وإن لم یکن له عذرٌ». یکی از دو قول شافعی و اهل حدیث همین است؛ بنابراین، تحلیل قرطبی از آیه شریفه با توجه به روایات، این است که صوم در سفر، جایز نیست

اما اینکه افطار، واجب است یا جایز، تصریح نمی‌کند.

۳-۴. اختلاف در صوم و افطار

فقها در مورد اینکه افطار در سفر، افضل است یا صوم آن؟ اختلاف نظر دارند؛ طبق آنچه نقل شده مالک و شافعی روزه داشتن را برای کسی که توان دارند افضل می‌دانند ولی عمده در مذهب مالک و شافعی تخییر است میان افطار وصوم. دلیل آن حدیثی است به نقل بخاری و مسلم از انس بن مالک که گفت:«**كُنَّا نُسَافِرُ مَعَ النَّبِيﷺ، فَلَمْ يعِبِ الصَّائِمُ عَلَى المُفْطِرِ، وَلاَ المُفْطِرُ عَلَى الصَّائِمِ**»(بخاری، ۱۴۲۲: ج۳، ص۳۴، ح۱۹۴۷).

عثمان بن ابی العاص ثقفی و انس بن مالک هردو نقل کرده اند که «الصَّومُ فی السَّفرِ أفضَل لمَن قُدِرَعلیه». و قول ابی‌حنیفه و اصحاب او هم همین است. ابن عمر و ابن عباس گفته‌اند: الرُّخصةُ أفضل.

اما شعبی، عمربن عبدالعزیز، مجاهد، و قتاده و اوزاعی و اسحق بن راهویه همه گفته اند افطار افضل است؛ چون خداوند فرمود: «...**يرِيدُ اللّهُ بِكُمُ الْيسْرَ وَلاَ يرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ**...» (بقره/۱۸۵).

۳-۵. ایام دیگر برای قضای رمضان

در جمله: «فعدَّةٌ من أیام أخر»؛ حذف صورت گرفته است و در واقع چنین بوده«من یکن منکم مریضاً أو علی سفر، فافطِر فلیقضِ» بنابراین، هر مقدار از روزه را که افطار نمایید باید آن را قضا نمایید. کلمه «عدّة» بروزن فِعله، به معنای معدود، مرفوع است تا خبر باشد برای مبتدای محذوف و در تقدیر: فالحُکمُ، یا فالواجب عدّة. کسایی گفته: و یجوز عدة، ای فالیصُمُّ عدّة من أیام. برخی جمله را اینگونه معنا کرده: علیه صیامُ عدّةٍ، که در این صورت مضاف(صیام) حذف شده وکلمه عده، قائم مقام آن شده است.

۳-۶. اختلاف در نحوه قضای صوم رمضان

درباره تتابع قضای صوم رمضان، دو دیدگاه مطرح است؛ دارقطنی در سُنن خود که سند را

تصحیح می‌کند، از عائشه نقل کرده آیه چنین نازل شد:«فعدّة من أیام أخر متتابعات» آنگاه جمله متتابعات حذف شد (دارقطنی، ۱۳۸۶: ج۲، ۱۹۲، ح۶۰). و روایتی که ابوهریره نقل کرده مبنی بر اینکه: من کان علیه صومُ رمضان فلیسرده(متتابع)، ضعیف می‌داند. از ابن عباس در باره قضای صوم چنین نقل شد:«صُمهُ کیفَ شئتَ». از ابن عمر نقل شده«صُمهُ کما أفطرتَ». محمدبن منکدر با سند حسن می‌گوید:«بَلَغنی أنَّ رسول‌اللهﷺ سُئِلَ عن تقطیع قضاء صیامِ رمضان، فقال: ذلک الیکَ أرأیتَ لوکان علی أحدکُم دَینٌ فقضی الدِّرهم و الدِّرهمَینِ، ألم یکن قضاه، فالله أحقُّ أن یعفو و یغفر»(بیهقی، ۱۴۱۴: ج۴،ر ۲۵۹، ح۸۰۳۲).

مالک در مؤطأ گفته که ابن‌عمر می‌گفت:«یصوم رمضان متتابعاً من افطره متتابعا من مَرَضٍ». که طبق روایات وآیه «فعدّة من أیام أخر»، استحباب تتابع استفاده می‌شود. ابن‌عربی تتابع قضا را بدان جهت که صوم واجب معین است، واجب می‌داند.

۳-۷. وجوب قضای صوم رمضان

جمله «**فعدّة من أیام أخر**» دلالت می‌کند بر وجوب قضای صوم رمضان بدون تعیین زمان آن؛ برای اینکه لفظ

آیه اطلاق دارد و زمان خاص را نام نمی‌برد. صحیح بخاری و مسلم از عائشه نقل کرده که می‌گفت: «**کَانَ یکُونُ عَلَی الصَّوْمُ مِنْ رَمَضَانَ، فَمَا أَسْتَطِیعُ أَنْ أَقْضِیهُ إِلَّا فِی شَعْبَانَ، الشُّغْلُ مِنْ رَسُولِاللهِﷺ، أَوْ بِرَسُولِاللهِﷺ**» [شغل، فاعل فعل مقدر، ای یمنعنی الشغل] (همان).

۳-۸. عدم وجوب کفاره قضا نکردن صوم رمضان بدون افراط

کسی که روزه قضای رمضان به عهده دارد و آن را با اینکه امکان قضایش داشت، انجام نداد و تأخیر انداخت تا اینکه به مانع برخورد و رمضان بعدی رسید، اطعام(کفاره) بر او واجب نیست؛ چون او در قضا نکردن آن افراط نکرده است و این قول بغدادیون از مالکی‌هاست.

۳-۹. تأخیر قضا تا رمضان تا شعبان

چنانچه قضای صوم رمضان را تا ماه شعبان که آخرین فرصت است برای قضا، به تأخیر افتد

آیا کفاره واجب است یانه؟ مالک و شافعی واحمد و اسحق بن‌راهویه گفته اند: کفاره واجب است. اما ابوحنیفه و حسن و نخعی و داود معتقدند کفاره واجب نیست و همین قول را، بخاری اختیار نموده است. ابی هریره به طور مسند با سند ضعیف از رسول‌خدا وجوب کفاره را نقل می‌کند: «**فِی رَجُلٍ أَفْطَرَ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ مِنْ مَرَضٍ ثُمَّ صَحَّ وَلَمْ یصُمْ حَتَّی أَدْرَکَهُ رَمَضَانُ آخَرُ قَالَﷺ یصُومُ الَّذِی أَدْرَکَهُ ثُمَّ یصُومُ الشَّهْرَ الَّذِی أَفْطَرَ فِیهِ وَیطْعِمُ مَکَانَ کُلِّ یوْمٍ مِسْکِینًا**» (دار قطنی، ۱۳۸۶: ج۲، ۱۹۶، ح۸۷).

۳-۱۰. تدوام مرض و عدم قضای صوم رمضان

اگر مرض کسی تداوم پیدا کند و تا رمضان بعدی بهبود نیابد، دارقطنی از ابن‌عمر نقل می‌کند که: به جای هر روز روزه که افطار کرده، یگ مُد گندم به مسکین بدهد و قضای آن واجب نیست. چنانچه در چند رمضان مرض او تداوم یابد سپس صحت پیدا کند و آخرین رمضان را درک کند، آخرین رمضان را قضا کند و از باقی رمضان‌ها کفاره بدهد. در اینکه مقدار کفاره چه اندازه است؟ مورد اختلاف است؛ ابوهریره و قاسم بن محمد بن ابی‌بکر و مالک و شافعی گفته اند: برای هر روز، یگ مُد طعام بدهد. ثوری گفته: نصف صاع برای هر روز.

۳-۱۱. کفاره افطار قضای رمضان

در اینکه کسی قضای رمضان را افطار و یا مجامعت کند، فقط قضا دارد یا کفاره نیز، بر او واجب است؟، مورد اختلاف است؛ فتوای مالک این است: کسی که از روی فراموشی قضای رمضان را افطار کند، جز قضای آن روز چیزی بر او واجب نیست ولی مستحب است روزه آن روز را به پایان برساند. و اگر معصیت کار است فقط قضای آن واجب و حتی ادامه روزه آن روز، مستحب نیست.

۳-۱۲. مرگ در رمضان

جمهور علمای اهل‌سنت بر این است کسی که در ماه رمضان بمیرد، یا در حال سفر فوت کند، چیزی بر او واجب نیست. برخی مانند طاوس و قتاده گفته اگر کسی با مرض بمیرد، از جانب

او اطعام کند. کسی که از دنیا برود و قضای روزه بر گردن او باشد، مورد اختلاف است؛ مالک، شافعی، و ثوری گفته اند: لایصوم أحَدٌ عن أحَدٍ. ولی احمدبن حنبل و اسحق بن راهویه و ابوثور و لیث و ابوعبید و اهل ظاهر، همه گفته اند: از جانب او روزه گرفته شود جز اینکه این‌ها این معنا را در روزه نذری اختصاص داده اند نه روزه رمضان البته از شافعی و احمد و اسحق هم نقل شده که: یصوم عنه.

دلیل کسانی که قائل به روزه گرفتن از جانب میت اند، این روایت رسول‌اللهﷺ است که فرمود:«مَن ماتَ و علیه صیامٌ صامَ عنهُ ولِیهُ»(ابن خزیمه، ۱۳۹۰، ج۳، ص۲۷۱، ح۲۰۲۵)، تنها مشکل روایت این است که عام است و این روایت مسلم:«جائت إمرأة الی رسول‌اللهﷺ فقالت: یا رسول‌اللهﷺ! إنَّ أمِّی قد ماتَت و علیها صوم نذرٍ(در نقلی صوم شهرٍ)، قالﷺ: أرأیت لوکان علی أمِّکِ دَینٌ فقضیتَهُ، أکان یؤدّی ذلک عنها؟» قالت: نعم، فقالﷺ:«فصُومِی عَن أمِّکِ»(مسلم، بی‌تا: ج۲، ص۸۰۴، ح۱۱۸۴)، آن را تخصیص می‌زند در روزه نذری که بر عهده میت است.

دلیل مالک و بقیه، برعدم قضا از جانب میت، آیات:«...**وَلاَ تَکْسِبُ کُلُّ نَفْسٍ إِلاَّ عَلَیهَا وَلاَ تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَی..**»(انعام/۱۴۶)، و «**وَاَن لَّیسَ لِلْإِنسَانِ إِلاَّ مَا سَعَی**»(نجم/۳۹)، است. و هم‌چنین نسائی از ابن‌عباس و او از رسول‌خدا نقل کرده که فرمود:«**لایصلِّی أحَدٌ من أحدٍ، ولایصومُ أحدٌ عن أحدٍ، ولکن یطعم عنه مکان کلُّ یومٍ مُدّاً من حنطة**»(نسائی، ۱۴۱۱: ج۲، ص۱۷۵، ح۲۹۱۸). قرطبی می‌گوید این حدیث عام است و احتمال دارد مقصودش صوم رمضان باشد، اما درصوم نذر جایز است که از جانب میت قضا شود به دلیل روایت ابن‌عباس که گفت: صُومِی عنها». قویترین دلیل مالک، عمل اهل مدینه است که باقیاس جلی(که صوم عبادت بدنی است و با مال، جبران نمی‌شود) تقویت می‌گردد.

۳-۱۳. عدم انعقاد صوم در سفر

کسانی که معتقد اند صوم در سفر منعقد نمی‌شود(واجب است افطار کند و علیه القضاء) دلیلشان آیه:«**فَمَن کَانَ مِنکُم مَرِیضاً اَوْ عَلَی سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ اَیامٍ اُخَرَ[ای فعلیه عدة] یرِیدُ اللّهُ بِکُمُ**

الْيُسْرَ وَلاَ يرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُواْ الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُواْ اللّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»(بقره/۱۸۵)، است؛ برای اینکه در آیه هیچ حذف و اضماری صورت نگرفته است. ولی جمهور معتقدند که درآیه حذف و اضمار صورت گرفته(مَن یکن منکم مریضاً أو علی سفر، فافطِر فلیقضِ)، یعنی روزه در سفر منعقد می‌شود. قرطبی قول جمهور را ترجیح داده و صحییح می‌داند و روایت انس بن مالک را که می‌گوید:«سَافَرنَا مَع رسُول اللهﷺ فی رمضان فَلَم یعِب الصَّائمُ عَلَی المُفطرِ ولا المُفطرِ عَلَی الصَّائمِ» را قرینه و شاهد قول جمهور می‌داند(بخاری، ۱۴۲۲: ج۳، ص۳۴، ح۱۹۴۷).

۴. تشریع صوم رمضان

آیه: «**شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِی اُنزِلَ فِیهِ الْقُرْآنُ هُدًی لِّلنَّاسِ وَ بَینَاتٍ مِّنَ الْهُدَی وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنكُمُ الشَّهْرَ فَلْیصُمْهُ وَ مَن كَانَ مَرِیضاً اَوْ عَلَی سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ اَیامٍ اُخَرَ یرِیدُ اللّهُ بِكُمُ الْیسْرَ وَلاَ یرِیدُ بِكُمُ الْعُسْرَ وَ لِتُكْمِلُواْ الْعِدَّةَ وَ لِتُكَبِّرُواْ اللّهَ عَلَی مَا هَدَاكُمْ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ**»، صوم رمضان را تشریع می‌کند(بقره/۱۸۵).

طبق تاریخ، نخستین کسی که صوم رمضان بر او تشریع شد و او روزه گرفت، حضرت نوحؑ است؛ او بعد از اینکه از کشتی پیاده شد این عبادت را انجام داد. ولی بر اساس گفته مجاهد، خداوند صوم رمضان را برکل امت‌ها واجب کرد و معلوم است که قبل از نوح امت‌های دیگر هم موجود بوده اند.

۴-۱. مفهوم شهر و رمضان

واژه «شهر» مشتق از اِشهار، است؛ چون ماه، مشهور است و برکسی پوشیده نمی‌ماند. و لذا وقتی گفته شد: شهرَ السّیفُ، زمانی است که شمشیر را از غلاف در آورده و برهنه سازد. واژه«رمضان» از رمض الصَّائم، یرمض، گرفته شده که معنای شدت گرما، سوزندگی درون از شدت عطش را می‌دهد. جوهری می‌گوید: شهر رمضان، جامع رمضانات(گرماها) و ارمضاء(شدت حرارت) است؛ گفته شده وقتی نام‌های ماها را از لغت قدیمی به عربی بر

می‌گرداندند و به زمان‌های نامگذاری می‌کردند که درآن واقع می‌شدند، از قضا این ماه(رمضان) با زمان گرما مصادف شد و آن را رمضان نام گذاری نمودند.

بر خی گفته این ماه را بدان جهت رمضان نام نهاد که گناهان در این ماه بر اثر اعمال صالح سوزانده می‌شود.

دیگری گفته: چون قلب‌ها در این ماه بر اثر حرارتِ موعظه و تفکر در امر آخرت، سوزانده می‌شود رمضان نامیده شده است. بعضی گفته: چون در این ماه، سلاح‌ها گداخته و گرم می شود(آماده می‌شود) تا در شوال جنگ را آغاز کند، رمضان گفته شده است. به هر حال اسم این ماه در زمان جاهلیت«ناتق» بوده است به همین جهت آن شاعر گفت:

وقَی ناتق اجلت لدی حومة الوغی ●●● وولت علی الدبار فرسان خثعما

ترکیب آیه به این صورت گفته شده که «شهرُ» به رفع(بنا بر قرائت گروهی) مبتدا، خبرش جمله:«أنزل فیه القرآن» است. یا مبتدا در تقدیر است: المفروض علیکم صومُهُ شهرُ رمضان یا فیما کتب علیکم شهرُ رمضان. و چنانچه کلمه شهر، منصوب باشد در تقدیر چنین است: الزِموا شهرَ رمضان. یا صومُوا شهرَ رمضان. و در این صورت جمله: «الَّذی أنزِلَ فیه القرآن» صفت شهر است. کلمه«یسر» را به افطار در سفر و کلمه«عُسر» رابه صوم در سفر معنا کرده اند و تکرار این کلمات برای تأکید است.

نتیجه

به رغم اینکه آیات الهی تقریبا صریح است بر اینکه صوم رمضان بر همه مکلفان واجد شرایط در محل زنگی و در حال حضر، واجب است و دو موقعیت، یعنی بیماری و مسافرت، افطار آن، واجب خواهد شد، فقهای مذاهب اسلامی، در مورد معیار جواز افطار و شرایط آن، دچار اختلاف نظر شده اند. یکی از مفسّرانی تأثیرگذار در تفسیر و تحلیل آیات شریفه، باب صوم رمضان قرطبی است. وی، همانند عموم فقهای اهل‌سنّت، آیات را تفسیر نموده است و تقربیا، بر خلاف نص آیات شریفه، افطار صوم رمضان در حال سفر را واجب، نمی‌داند بلکه طبق شرایط حاکم بر فضای علمی اهل‌سنّت، به تحلیل آیات پرداخته است که ظاهرا با ظاهر

و نص آیات، همخوانی ندارد، هر چند که وی باتوجه به روایات رسیده، تلاش می‌کند افطار صوم مسافر را واجب کند لکن نمی‌تواند بر خلاف جمهور فقهای اهل‌سنت، نظر دهد.

پی‌نوشت

۱. از نگاه اهل‌سنت عنوان «مسافر» برکسی اطلاق می‌شود که شرایط زیر را داشته باشد: ۱- سفر او به مقدار۱۶فرسخ(از نظر اهل‌الیت۸ فرسخ =۴۴کیلو متر، به صورت ممتد، یا رفت و برگشت که ۴فرسخ رفت و۴ فرسخ برگشت باشد) فقط رفت مسافر باشد و هر فرسخ، ۳میل، و هر میل، ۱۶ هزار ذراع است که این مسافت به۸۰ کیلومتر و نصف کیلومتر و ۱۴۰ متر می‌رسد یعنی حدود طی مسافت یک شبانه روز، با شتر همراه بار به حرکت عادی، باشد. البته تعیین این مسافت نزد همه امامان چهارگانه اهل‌سنت اجماعی است ولی در جزئیات آن اختلاف نظر وجود دارد: حنفی‌ها، می‌گویند اگر مسافت در طی سه شبانه روز با شتر و پا با حرکت عادی پیموده شود، مسافر گفته می شود و چنانچه همین مسافت را با قطار، هوا پیما در زمان یک ساعت طی کند، مسافر است روزه را افطار و نماز را قصر بخواند (الفقه المیسر علی مذهب الامام الاعظم ابی حنیفة النعمان، ص۱۳۹). مالکی‌ها گفته اند: اگر از این مقدار(۱۶فرسخ) ۸ فرسخ کمتر برود و نماز را به قصر بخواند نمازش صحیح است و نیاز به اعاده ندارد. شافعی‌ها می‌گویند: اگر از مسافت ۱۶ فرسخ به مقدار اندک کمتر باشد، قصر نماز و افطار روزه صحیح نیست: الفقه علی المذاهب الاربعة ومذهب اهل البیت علیهم‌السلام، ج۱، ص۶۰۹.

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن‌خُزیمه، محمدبن اسحاق نیسابوری،(۱۳۹۰ق)، ***صحیح ابن‌خزیمه***، تحقیق: محمدمصطفی الأعظمی، بیروت، المکتب الإسلامی.

ابن‌ماجه، محمدبن یزید القزوینی،(بی‌تا)، ***سنن ابن ماجه***، تحقیق: فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار الکتب العلمیة.

بخاری، محمدبن اسماعیل، (۱۴۲۲ق)، ***صحیح البخاری*** ـ الجامع المسند الصحیح المختصر... ـ تحقیق: محمدزهیر بن ناصربن الناصر، دمشق، دار طوق النجاة، چ اول.

بیهقی، أحمدبن الحسین بن علی،(۱۴۱۴ق)، ***السنن الکبری***، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا، مکه مکرمه، مکتبة دار الباز.

جزیری و السید محمد الغروی، و یاسر مازح،(۱۴۱۹ق)، ***کتاب الفقه علی المذاهب الأربعة و مذهب اهل البیت***علیهم‌السلام، بیروت، دار الثقلین، چ اول.

دارقطنی، علی ین عمر،(۱۳۸۶ق)، ***سنن الدار قطنی***، تحقیق: السید عبدالله هاشم یمانی المدنی، بیروت، دار المعرفة.

قرطبی، محمد بن احمد،(۱۳۶۴ش)، الجامع لأحکام القرآن، تهران، انتشارات ناصر خسرو.

مسلم، مسلم بن الحجاج، (بی‌تا)، ***صحیح مسلم*** ـ المسند الصحیح المختصر.. ـ تحقیق: فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار إحیاء التراث العربی.

نسائی، أحمدبن شعیب، (۱۴۰۶ق)، ***السنن الصغری***، حلب، مکتب المطبوعات الإسلامیة، چ دوم.

ـــــــــــ، (۱۴۱۱ق)، السنن الکبری، تحقیق: عبدالغفار سلیمان البنداری و سید گسروی حسن، بیروت، دار الکتاب العلمیة.